فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc447529003)

[نکته هشتم: مصطلحات مشاوره 2](#_Toc447529004)

[بررسی لغوی مشاوره 2](#_Toc447529005)

[بررسی اصطلاحی مشاوره 3](#_Toc447529006)

[معنای اول: معنای عام 3](#_Toc447529007)

[معنای دوم: مشاوره علمی و تخصصی 3](#_Toc447529008)

[جمع‌بندی معنای دوم 5](#_Toc447529009)

[معنای سوم: رأی‌گیری عمومی 6](#_Toc447529010)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اشاره

در جلسه گذشته به مناسبت بحث اعلمیت و همین‌طور تخییر در مجتهدان متساوی وارد طرح سؤال جدیدی شدیم که عبارت است از اینکه:

آیا اکثریت یا شورا در بحث فتوا و تقلید اعتبار دارد یا خیر؟ و در صورت اعتبار، این اعتبار تا چه حد است؟

آیا می‌توان اکثریت و نظریه جمع را به‌عنوان نظر مرجّح تلقّی کرد؟ (چه در بحث تساوی مجتهدین و حتی در بحث اعلمیت درصورتی‌که اعلمیت در مقابل اکثریت قرار گیرد)

همان‌طور که در بحث‌های مقدماتی ملاحظه شد،اگر کسی برای اکثریت قائل به جایگاهی در بحث تقلید بشود، در صورت تساوی دو رأی موجود (تخییر و احتیاط) کنار گذاشته شده و رأی جدیدی ظاهر می‌شود. همچنین در بحث اعلمیت هم دو نظریه موجود (تخییر و تعیین اعلم) کنار گذاشته شده و نظر اکثریت به‌عنوان نظر جدید مطرح می‌شود.

در اینجا طی هفت مقدمه زوایا و ابعاد مسئله بررسی شد که این‌ها نکات مهمی بود که در مقدمه گفته شد و بنا بر این شد که وارد ادله شویم، لکن به نظر می‌رسد بهتر است که در همین مقدمات بحث دیگری هم که بیشتر به مفهوم‌شناسی و مصطلحات مشاوره است و همین‌طور در مشاوره در علوم مختلف توقّفی داشته باشیم.

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، بحث مشاوره با توجه به ابعاد و زوایایی که دارد می‌تواند قاعده فقهی ذواضلاعی باشد که به همین دلیل تصمیم بر این شد که در دامنه‌ی مفهوم مشاوره و اصطلاحات موجود در آن مکثی بشود و همچنین مقدمه دیگری نیز به آن‌ها اضافه شود.

## نکته هشتم: مصطلحات مشاوره

در اینجا بهتر است در مقدمه نکته دیگری را به نکات قبل با عنوان مصطلحات مشاوره و مشاوره در حوزه علوم انسانی اضافه شود و سپس به ادله بپردازیم.

همان‌طور که از لفظ مشاوره پیدا است این عبارت از شور می‌باشد. کندوکاو در اصل این مفهوم ضرورت چندانی نداشته و روشن است و برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توان به کتب لغت مراجعه کرد، لکن به صورت خلاصه‌وار اشاره‌ای به این لغت و سپس مصطلحات مشاوره خواهیم داشت.

### بررسی لغوی مشاوره

از لحاظ لغوی، در کتبی مانند مصباح المنیر و ... شور را دارای دو اصل دانسته‌اند:

الف) یک اصل، ابداع و اظهار و از این قبیل معانی می‌باشد که به بحث ما مربوط نمی‌شود.

ب) معنا و اصل دیگر شور، اخذ می‌باشد که اصل این معنا از شرط العسل می‌باشد که زمانی که مومی وجود دارد که در آن موم عسل می‌باشد که گرفتن این اصل از موم را شور العسل می‌گویند.

این واژه با همین اصل دوم به معنای اخذ رأی از دیگران به کار رفته است و به‌عبارت‌دیگر این تناسب موجب پیدایش معنای دوم شور می‌باشد که درواقع گرفتن عسل از موم متناسب شده است با گرفتن رأی از اهل خبره، که تعبیر و تشبیه زیبایی است که گویا رأی، عسلی است که از افراد گرفته شده و راهنمای زندگی دیگران می‌شود.

اینکه این ماده یک اصل دارد یا دو اصل محل بحث و اختلاف است اما آنچه در مقاییس آمده است معنا و مفهومی است که در بالا گفته شد.

اینجا محل لغت‌شناسی بسیار است اما در حال حاضر که ما عبارات «شور» «شورا» «استشاره» و «مشورت» را به کار می‌بریم، منظور و مفهوم ما اصل دوم که اخذ العسل از موم باشد، نیست بلکه این فقط پایه انتقال معنا بوده است و معنای حقیقی حال حاضر گرفتن رأی و نظر از دیگران می‌باشد که این خود یک مصطلح و معنای لغوی جدید می‌باشد.

پس آنچه الان می‌توان در جواب سؤال از معنای اصلی شور و مشورت می‌توان گفت، گرفتن رأی از دیگری و جستجوی از رأی دیگری در مسئله‌ای می‌باشد به این معنا که نظر و رأی کسی در مسئله‌ای گرفته شود.

### بررسی اصطلاحی مشاوره

آنچه برای ما حائز اهمیت است معانی‌ای است که امروزه از مشاوره در اصطلاح عام، روانشناسی، مشاوره و راهنمایی و علوم سیاسی و... به کار می‌رود که اگر بنا باشد این معانی را رده‌بندی کنیم شاید بتوان گفت این چند معنا به صورت عام و خاص در اینجا وجود دارد.

#### معنای اول: معنای عام

معنای اول می‌تواند همین معنایی باشد که با معنای لغوی آن تناسب داشته و به‌عنوان گرفتن رأی کسی در موضوعی به کار رود که طبعاً این در جایی است که موضوعی در کار است، ابهامی وجود دارد و صاحب‌نظر و صاحب‌رأیی هم در آنجا حضور دارد و این‌ها شرایطی است که برای گرفتن رأی و نظر دیگری وجود دارد و در اینجا این معنا صدق می‌کند.

قوام این معنای عام به این است که کسی مراجعه کرده و رأی دیگری را بخواهد و در جستجوی این مسئله باشد –یا از نظر ذهنی و یا عملاً به دنبال این مسئله باشد- که در اینجا صدق شور می‌کند.

اما اگر کسی به دنبال مسئله نبوده و یا اهمیتی برای صاحب مسئله ندارد، و در این شرایط دیگری نظری می‌دهد شاید صدق شور و مشورت نکند.

آنچه گفته شد معنای عام و اصطلاح اول مشاوره می‌باشد که درواقع همان معنای لغوی است که به صورت عام می‌باشد. این معنا اعم است از اینکه کسی در ابعادی دچار مشکلی باشد و به حالت مرض و گرفتاری و ... در آمده باشد و یا اینکه این موارد نبوده باشد و صرفاً بخواهد نظر دیگری را بداند، اینکه با چه انگیزه‌ای باشد و ... همه شامل همان عمومیت می‌شوند.

#### معنای دوم: مشاوره علمی و تخصصی

اصطلاح دیگری که برای مشاوره وارد شده است آن اصطلاحی است که در کارشناسی آمده است که مربوط به دوره‌های متأخر است که مسائلی مانند روانشناسی و روانکاوی شکل گرفته است و درواقع اصل حوزه‌ی مشاوره در حدّ یک گرایش و گاهی رشته رشد کرده است. گرایش‌هایی همچون مشاوره و راهنمایی در ذیل روانشناسی و یا تعلیم و تربیت و گاهی هم مشاوره و راهنمایی به حدّی رشد کرده است که به صورت یک دانش در آمده است و از روانشناسی و این‌ها مستقل شده است.

مشاوره به معنای دوم درواقع معنای خاص است و نوعی معالجه می‌باشد که در مقابل راهنمایی است. به‌بیان‌دیگر مشاوره در این اصطلاح دوم به آن عملیاتی گفته می‌شود که یک صاحب‌نظر و طبیب روحی و روان‌شناختی برای درمان یک مشکل روحی و روان‌شناختی در مُراجع انجام می‌دهد که اصطلاحاً به کسی که به دنبال این مشاور می‌رود مُراجع نامیده و کسی هم که معالجه می‌کند مشاور می‌نامند. در اینجا دیگر چیزی به نام مستشیر و مستشار وجود ندارد، زیرا این‌ها معانی عام است.

در معنای عام ارتباط بین مستشیر است که سؤالی دارد و به مستشار مراجعه می‌کند و مستشار نیز نظر خود را می‌دهد، ولی در معنای خاص روان‌شناختی که موضوعِ یک گرایش بلکه یک رشته به‌عنوان دانش مشاوره می‌باشد، در اینجا مشاوره به معنای معالجه است.

البته در این معنا هم ابداع رأی و گرفتن نظر وجود دارد و درواقع وجه مشترک موجود است، به این معنا که کسی به دنبال نظر است و به دیگری مراجعه می‌کند و نظر و راهنمایی او را دریافت می‌کند، اما اینجا صرف نظر نیست، بلکه بحث در اینجا این است که مثلاً شخصی وسواس یا گرفتاری روحی و آسیب روان‌شناختی دارد که به دنبال حل این مشکل است. مشاوری هم که در اینجا نظر می‌دهد، نظر کارشناسانه معالجه‌گرانه و درمانی است، که کار این شخص نزدیک به کار طبیب است و نوعی پزشک است.

پس در اینجا نیز همان معنای ابتدایی و عام وجود دارد به علاوه ویژگی‌های دیگر، به این معنا که در اینجا گرفتن رأی کسی و اظهارنظر خواسته‌شده از او وجود دارد، اما اولاً: این اظهارنظر در جایی است که کسی مبتلا به آسیب روان‌شناختی است یعنی در جایی که مرضی وجود دارد و ثانیاً: مشاور هم در جایگاه معالجه گر و طبابت می‌باشد. این دو ویژگی مزید بر معنای عام می‌باشد که به صورت اصطلاح خاص در آمده است.

پس با این دو ویژگی مشاوره به معنای خاص شکل گرفته است که به‌عنوان یک علم در روانشناسی قرار گرفته است که در دهه‌های قبل گرایش بوده و الان یک هویت مستقل دانشی پیدا کرده و به صورت یک دانش مستقل در آمده است.

گاهی برای مشاوره قسیمی قرار داده شده است به‌عنوان راهنمایی که با عنوان مشاوره و راهنمایی گفته می‌شود. و گاهی هم مشاوره به‌تنهایی می‌باشد. آنچه به‌عنوان راهنمایی گفته می‌شود مربوط به جایی است که به حدّ مرض و معالجه نرسیده است که با این تفسیر، راهنمایی به معنای ابتدایی مشاوره نزدیک‌تر می‌باشد، به این معنا که شخص را ارشاد و راهنمایی کرده و راه را برای پیشگیری نشان می‌دهند، و لذا گاهی گفته می‌شود راهنمایی آن چیزی است که به‌عنوان پیشگیری انجام می‌گیرد و مشاوره آن چیزی است که به‌عنوان درمان انجام می‌شود. اما این راهنمایی هم که در اینجا به کار می‌رود مصداقی از همان مشاوره به معنای عام می‌باشد.

شاید بتوان گفت مشاوره و راهنمایی از لحاظ لغوی «إذا اجتمعا إفترقا و إذا افترقا إجتمعا» باشند، که اگر مشاوره به‌تنهایی به معنای لغوی به کار برود همه این اقسام را در برمی‌گیرد، اما در جایی که در مقابل راهنمایی قرار می‌گیرد، در حوزه معالجه و درمان وارد می‌شود. و راهنمایی هم به همین صورت می‌باشد. که این‌ها اهمیت چندانی برای ما ندارد (اگرچه بحث‌های زیادی در مورد مشاوره و راهنمایی و اینکه اصل آن از کجا آمده است و به چه معنا است شده است)

##### جمع‌بندی معنای دوم

به‌طورکلی تفاوت معنای اول و دوم از این قرار است که معنای اول که مشاوره به معنای عام بود –که نزدیک و بلکه عین معنای لغوی می‌باشد- به معنای دادن نظری برای روشن شدن مطلب است، اما معنا و اصطلاح دوم از سه بخش تشکیل شده است:

اولاً: مُراجع دارای مشکل و آسیبی است.

ثانیاً: این آسیب در حوزه مسائل روحی و روان‌شناختی است.

ثالثاً: رأی‌دهنده در مقام معالجه می‌باشد و از حوزه طبیب تعامل می‌کند تا گره شخص را باز کند.

و این سه خصوصیت در معنای اولیه و معنای عام وجود ندارد بلکه مشاوره به معنای عام را می‌توان در تمام مسائل فردی و اجتماعی اشخاص تعمیم داد که به صورت استشاره و مشورت و رأی دادن می‌باشد. از جمله مسائلی که در معنای اول مشاوره مورد مشورت قرار می‌گیرد می‌توان به امور شغلی، ازدواج، مسکن، تحصیلی و علمی، مسائل اخلاقی، پوششی و.... اشاره کرد و مشاوره به معنای عام هیچ‌گونه حیطه خاصی ندارد و تمام مسائل را شامل می‌شود. درحالی‌که مشاوره به معنای دوم فقط در خصوص مسائل روان‌شناختی و شخصیتی می‌باشد.

از جهت دیگر مشاوره به معنای اول، اعم است از راهنمایی‌ها و یا درخواست راهنمایی در جایی که برای پیشگیری اقدام می‌شود و یا اینکه در مقام معالجه باشد. اما مشاوره دوم فقط در مقام معالجه می‌باشد.

پس به‌طورکلی مشاوره به اصطلاح دوم (روانشناسی):

الف) دایره محدودتری دارد و در جایی است که مسائل روحی و روان‌شناختی می‌باشد.

ب) جایی است که مشکل به صورت یک نوع آسیب و مرض پیدا شده است.

ج) مراجعه از باب مراجعه به طبیب می‌باشد یعنی در مقام معالجه است.

**توضیح این مطلب در اینجا لازم به نظر می‌رسد که:**

مشترک لفظی بر دو قسم است: الف) مشترک لفظی بین معانی متباین، مانند عین که گفته شده است هفتاد معنا دارد و غالب آن‌ها متباین هستند مثل چشمه با خورشید که دو معنای متباین هستند.

ب) نوع دوم، اشتراک لفظی بین معانی عام و خاص است. که اهمیت بسیار زیادی دارد و تشخیص مشترک لفظی بین عام و خاص بسیار مهم است. در این بحث حضرت آقای مصباح از دقّت بسیار بالایی برخوردار هستند که در کتاب آموزش فلسفه هم وقتی وارد بحث علم فلسفه می‌شوند می‌فرمایند علم دارای هفت معنا است که این معانی از عام به خاص می‌آیند اما مشترک لفظی است.

پس در اینجا نیز وقتی مشاوره دوم را به کار می‌بریم، تماماً حدود معیّن اراده می‌شود، به این معنا که لفظ را به صورت عام معنا می‌کنیم ولی بر این معنای عام چند قید افزوده می‌شود که تشکیل اصطلاح خاص را می‌دهد و نتیجه آن اشتراک لفظی عام و خاص می‌شود.

#### معنای سوم: رأی‌گیری عمومی

اصطلاح سوم برای مشاوره آن دسته از مشاوره‌ای است که در مسائل اجتماعی و سیاسی وارد شده است که امروزه به معنای رأی، مراجعه به آراء و اکثریت در آراء به کار می‌رود.

این معنای سوم مربوط به مسائل سیاسی و اجتماعی می‌باشد که به‌نوعی مستحدث می‌باشد، نه اینکه در تاریخ بدون ریشه باشد ولی به این شکل فعلی مستحدث است و لااقل ما این ادعا را داریم. که این معنا اگرچه که مراجعه به آراء است اما این نوع مراجعه، اولاً مراجعه به جمع و عموم مردم می‌باشد، ثانیاً پیرامون یک موضوع عمومی است و ثالثاً مبنا در این مراجعه، اکثریت می‌باشد.

این شورا و مشاوره با انتخابات و اکثریت گره خورده است، که این مفهوم دیگری است. البته این مفهوم جدید هم خاص است و ریشه و رشته عام در اینجا هم وجود دارد به این معنا که حکومتی به آراء مراجعه می‌کند که این به معنای شور است و رأی و نظر دیگران را جمع می‌کند، اما این نظرگیری در امور عمومی است و ملاک و فلسفه این نظرگیری هم این است که به اکثریت دست پیدا کند که یا اکثریت مطلق است (نصف به علاوه یک) و یا اکثریت نسبی (بیش از دو سوم) و مسائل دیگری که مطابق قراردادها می‌باشد. مثلاً ممکن است گفته شود که در فلان موضوع انتخابات برگزار می‌کنیم اما بایستی سه چهارم آراء کسب شود و یا اینکه در موضوع دیگری نصف به علاوه یک و یا بالاتر از نصف ملاک قرار گیرد.

در اینجا نیز می‌توان رأی و مشاوره و مشورت و الفاظ دیگر را به کار برد، زیرا رگه و ریشه‌ی هسته‌ی مشترک در اینجا نیز وجود دارد ولی همان‌طور که گفته شد در یک موضوع و مصلحت عمومی است و مبنا هم در اینجا اکثریت آراء می‌باشد.

البته شور و مشاوره در این معنای سوم دو قسم است:

گاهی مشاوره‌های عام و رأی‌گیری‌های عمومی است؛

و گاهی رأی‌گیری‌های خاص و تخصّصی‌تر می‌باشد، مانند رأی‌گیری‌هایی که در مجلس و کابینه انجام می‌شود. و یا شوراهایی که در دستگاه‌های مختلف انجام می‌گیرد.

در حالت دوم وقتی از مشاوره صحبت می‌شود به این معنا است که مسئله‌ای به جمعی عرضه می‌شود و رأی آن‌ها جمع‌آوری شده و اکثریت آراء مبنای کار قرار می‌گیرد. پس استفاده شور در این حالت تفاوت دیگری با معنای قبل کرد که اخص از آن معنا شد.

از یک جهت با معنای قبل تفاوت دارد که غالباً این شور برای یک أمر عمومی می‌باشد –که گاهی عمومی بشری است، گاهی عمومی کشوری است، گاهی عمومی شهری است و گاهی عمومی سازمانی است- اما موضوع یک موضوع عمومی است.

جهت دیگر تفاوت این است که در این موضوع عمومی که به آراء عمومی مراجعه می‌شود علی‌الاصول بر مبنای اکثریت می‌باشد، یعنی قرار است از این رأی‌گیری اکثریتی به دست آید که این اکثریت مبنای تصمیمات قرار گیرد.

اما در جایی که بنا بر اکثریت نباشد و فقط بارش افکار بوده و تصمیم‌گیرنده شخص دیگری باشد، در مفهوم سوم نمی‌گنجد. این حالت را بارش افکار می‌نامند، به این معنا که جلساتی گذاشته می‌شود و از همه می‌خواهد که نظر بدهند ولی موظف نیست که این افکار را مبنای عمل قرار دهد بلکه فقط از این نظرات استفاده می‌کند، که این همان مشورت به معنای عام می‌باشد. که در مورد آیه شریفه «**...وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ**»[[1]](#footnote-1) بنابر برخی معانی همین منظور را می‌رساند که نظرات را جمع‌آوری کن و نهایتاً خودت تصمیم‌گیری کند. این نظرگیری با معنای سوم که به معنای برگزاری انتخابات و ... بود متفاوت است.

نکاتی که گفته شد به این منظور بود که تفاوت معنایی این‌ها مشخص شود که در آینده بگوییم که معنای آیه شریفه «... **وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ ...**»[[2]](#footnote-2) الزاماً این نیست که رأی‌گیری کرده و اکثریت را مبنای عمل قرار دهند. البته می‌تواند یک قسم معنای آیه این باشد اما معنای آن یک معنای عام است.

همان‌طور که قبلاً گفته شد در معنای اول از عبارات مستشیر و مستشار استفاده می‌شود، در معنای دوم از عبارات مُراجع و مشاور استفاده شده و در این معنا از اصطلاح شورا و انتخابات و این‌گونه الفاظ استفاده می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه شد و چندین بار تکرار کردیم، در معنای اول شمول فوق‌العاده‌ای وجود دارد که همه موضوعات را در برمی‌گیرد. از نظر دیگر هم این مشاوره برای این است که انسان دچار مشکل و دامی نشود و به دنبال پیشگیری است و یا اینکه حتی دچار مشکلی شده است و می‌خواهد از این مشکل خارج شود که باز هم از این حیث معنای اول اعم است. همچنین از این حیث هم عام است که آیا شخصی که رأی را می‌گیرد می‌خواهد این اکثریت آراء را ملاک عمل قرار دهد و یا اینکه صرفاً می‌خواهد رأی را بگیرد و تصمیم‌گیری با خودش باشد.

البته این نکته هم در اینجا حائز اهمیت است که مشاوره به معنای دوم که موضوع یک علم از شاخه‌های روانشناسی و تعلیم و تربیت شده است، که کار به صورت یک کار علمی شده است و کاملاً فنی بوده و دارای تئوری و نظریه است و شخص مشاور حالت طبیب را دارد و قوام آن هم به این است که شخص مراجعه‌کننده دارای مشکلی باشد، به‌مرورزمان در شاخه‌های دیگر هم در حال شکل‌گیری است که این‌ها معانی جدیدی است که در مشاوره روانشناسی نمی‌گنجد، به این معنا که مثلاً مشاوره شغلی یا مشاوره علمی و... که کم‌کم از حالت معنای عام مشاوره‌ای خارج شده و به سمت معانی جدید آمده است و این مشاوره‌ها نیز به صورت یک دانش در آمده و گویا دارای پیچیدگی‌های خاصی است که زمانی که کسی در مسئله‌ای دچار مشکل شده است به این مشاور به‌عنوان یک معالج و درمانگر و راهنمای خاص مراجعه می‌کند. و لذا این مشاوره‌های خاصی که مصداق مشاوره عام بودند در تحصیل، شغل، گردشگری و مسائل مختلف دیگر، هر یک می‌توانند آرام‌آرام شاخه‌ای شده و به صورت دانش دربیایند که برخی از آن‌ها جوانه زده‌اند و در حال رشد هستند و همان‌طور که بخشی از این مشاوره عام با قیودی به‌عنوان مشاوره روان‌شناختی در آمد و اصطلاح و علم خاص شد، در قسمت‌های دیگر هم برخی از دانش‌های خاص در حال رشد می‌باشند که این هم در دهه‌های آینده قاعدتاً چندین گرایش در این موارد پیدا می‌شود که این‌ها معانی خاص‌تر مشاوره می‌شوند.

1. سوره آل‌عمران / آیه 159 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره شوری / آیه 105 [↑](#footnote-ref-2)